



Analysis of the Barriers to Diversification of Economic Activities in Rural Areas of Kunduz Province, Afghanistan

Muhammad Asef Shaiq¹, Hojjat Varmazyari², Ali Asadi³, Khalil Kalantari^{3*} and Rahmatullah Atefi⁴

Article history:

Submitted: 22 July 2024

Revised: 18 February 2025

Accepted: 30 September 2025

Available Onlin: 30 september 2025

How to cite this article:

Muhammad, M.A., Varmazyari, H., Asadi, A., Kalantari, K., and Atefi, R. 2026. Analysis of the Barriers to Diversification of Economic Activities in Rural Areas of Kunduz Province, Afghanistan, *Rural Development Strategies*, 12(4): 561-581. <https://doi.org/10.22048/rdsj.2026.469115.2186>

Abstract

Diversifying economic activities in rural areas is considered a key strategy for strengthening resilience and promoting sustainable development in rural communities. This approach not only reduces dependence on one or a few specific sources of income but also expands the range of economic activities, thereby creating diverse employment opportunities for rural residents. In this context, the present survey study was conducted in 2021 with the aim of identifying and analyzing the major barriers to the diversification of rural economic activities. The statistical population of this research consisted of all rural household heads in Kunduz Province. The sample size was determined to be 188 using G*Power software, and cluster sampling was employed. Data were collected through a questionnaire administered via face-to-face interviews. Exploratory factor analysis was used to analyze the data. The results indicated that the barriers of the urban–rural gap and the low risk-taking tendency of rural residents, explaining 24.52% of the variance, followed by educational weaknesses (15.75%), lack of provision of technology and public goods (12.5%), and skill and specialization barriers (7.85%), together explained 60.6% of the variance in barriers to the diversification of rural economic activities in the villages of Kunduz Province. Compared with previous studies, the present research identified more concrete barriers to rural economic diversification. While earlier studies categorized these barriers broadly into social, infrastructural, managerial, environmental, and economic dimensions, this study highlights specific factors. Among them, the low risk-taking tendency of rural residents was identified as a key obstacle preventing them from entering new rural occupations. Therefore, policymakers should reduce rural residents' risk perceptions by supporting the

1- Graduate Student, M.Sc. in Rural Development, Department of Agricultural management and development, Faculty of Agricultural Economics and Development, University of Tehran, Tehran, Iran. Senior Teaching Assistant in Department of Agricultural Economics and Extension, Faculty of Agriculture, Baghlan University, Baghlan 3601, Afghanistan

2- Associate Professor, Department of Agricultural management and development, Faculty of Agricultural Economics and Development, University of Tehran, Tehran, Iran.

3- Professor, Department of Agricultural management and development, Faculty of Agricultural Economics and Development, University of Tehran, Tehran, Iran

4- Associate Professor, Department of Soil Science and Irrigation, Agriculture Faculty, Baghlan Univeristy, Baghlan 3601, Afghanistan



Corresponding Author: khkalan@ut.ac.ir

© 2026, University of Torbat Heydarieh. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>).

provision of business development services required for emerging rural enterprises and by offering financial support or investment during the transition period. The study also identified agricultural product processing, sewing, and carpet weaving as the most important new employment opportunities that should be considered in rural economic diversification strategies.

Keywords: Economic diversification, rural economy, sustainability, quality of life, Kunduz province

مقاله پژوهشی

تحلیل موانع تنوع بخشی به فعالیت های اقتصادی در نواحی روستایی استان کندز - افغانستان

محمد آصف شایق^۱، حجت ورمزیاری^۲، علی اسدی^۳، خلیل کلانتری^{۴*} و رحمت الله عاطفی^۴

تاریخ دریافت: ۱ مرداد ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۳۰ بهمن ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۸ مهر ۱۴۰۴

چکیده

تنوع بخشی به فعالیت های اقتصادی در مناطق روستایی به عنوان کلیدی برای تقویت تاب آوری و توسعه پایدار این جوامع تلقی می شود. این رویکرد نه تنها به کاهش وابستگی به یک یا چند منبع درآمد خاص می انجامد، بلکه با گسترش دامنه فعالیت های اقتصادی، فرصت های شغلی متنوعی را برای ساکنان روستاها فراهم می آورد. در همین راستا، مطالعه پیمایشی حاضر، در سال ۱۴۰۰ و با هدف شناسایی و تحلیل عمده ترین موانع تنوع بخشی به فعالیت های اقتصادی روستایی انجام شد. جامعه آماری این تحقیق، تمامی سرپرستان خانوارهای روستایی استان کندز بود. در این پژوهش حجم نمونه، با استفاده از نرم افزار G*Power، ۱۸۸ نفر تعیین و نمونه گیری، به روش خوشه ای انجام شد. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه و روش تکمیل آن، مصاحبه حضوری بود. برای تجزیه و تحلیل داده ها از تکنیک تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. نتایج این تحقیق نشان داد که به ترتیب موانع شکاف شهری-روستایی و ریسک پذیری پایین روستائیان با تبیین واریانس (۲۴/۵۲ درصد)، ضعف آموزشی (۱۵/۷۵)، عدم تدارک فناوری و کالاهای عمومی (۱۲/۵) و موانع مهارتی و تخصصی (۷/۸۵)، توانستند ۶۰/۶ درصد واریانس موانع تنوع بخشی به فعالیت های اقتصادی روستایی در روستاهای استان کندز را تبیین نمایند. مطالعه حاضر در مقایسه با تحقیقات قبلی توانست موانع عینی تری را در خصوص تنوع بخشی به فعالیت های اقتصادی روستایی ارائه دهد. شایان ذکر است که تحقیقات قبلی، موانع مذکور را در ابعاد کلی اجتماعی، زیرساختی، مدیریتی، محیطی و اقتصادی جمع بندی کرده اند. از جمله موانع اساسی که به صورت عینی شناسایی شده است، ریسک پذیری پایین روستائیان است که مانع ورود ایشان به مشاغل نوین روستایی می شود. لذا مسئولان امر، باید ادراک ریسک روستائیان را از طریق حمایت از ارائه خدمات توسعه کسب و کار مورد نیاز کسب و کارهای نوین و نیز حمایت مالی یا سرمایه گذاری در دوره گذار کاهش دهند. مطالعه حاضر، فراوری محصولات کشاورزی، خیاطی و قالیبافی را به عنوان مهم ترین فرصت های شغلی جدید شناسایی کرد که باید در تدوین راهبردهای تنوع بخشی شغلی روستایی مد نظر قرار گیرند.

کلمات کلیدی: تنوع بخشی اقتصادی، اقتصاد روستایی، پایداری، کیفیت زندگی، استان کندز

۱- دانش آموخته کارشناسی ارشد توسعه روستایی، گروه آموزشی مدیریت و توسعه کشاورزی، دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی، دانشگاه تهران، ایران / عضو دیپارتمنت اقتصاد و توسعه زارعتی، دانشکده زراعت، دانشگاه بغلان، ولایت بغلان، افغانستان

۲- دانشیار گروه آموزشی مدیریت و توسعه کشاورزی، دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی، دانشگاه تهران، ایران.

۳- استاد گروه آموزشی مدیریت و توسعه کشاورزی، دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی، دانشگاه تهران، ایران.

۴- عضو دیپارتمنت خاکشناسی و آبیاری، دانشکده زراعت، دانشگاه بغلان، ولایت بغلان، افغانستان.

*-نویسنده مسئول: khkalan@ut.ac.ir

مقدمه

توسعه و گسترش فعالیت‌های اقتصادی در نواحی روستایی، از مؤثرترین راهکارهای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مناطق محروم به حساب می‌آید و از آن به عنوان اکسیری برای محرومیت‌زدایی و کاهش فقر یاد می‌شود (صالح‌نیا و رفعتی، ۱۴۰۲؛ ورمزیاری و همکاران، ۱۳۹۷؛ حسینی‌نیا و فلاحی، ۱۳۹۶). رویکرد تنوع بخشی به فعالیت‌های اقتصادی، یکی از رویکردهای مورد توجه در توسعه همه‌جانبه اجتماعات روستایی است (شایق و همکاران^۱، ۲۰۲۴؛ راشدنسب و احمدوند، ۱۳۹۷)، به‌گونه‌ای که تنوع بخشی در اقتصاد روستا، لازمه دستیابی به توسعه پایدار روستایی عنوان شده است (جوان و همکاران، ۱۳۹۰). متنوع‌سازی اقتصاد روستایی راه حلی منطقی است که با معرفی صنایع و فعالیت‌های جدید، زمینه را برای کاهش میزان وابستگی مناطق روستایی به منابع پایه طبیعی فراهم می‌سازد؛ به‌طوری‌که از دیدگاه بانک جهانی، توسعه فعالیت‌های غیرکشاورزی و چند بخشی در مناطق روستایی از قبیل صنعت و خدمات به‌عنوان الگوی متنوع‌سازی اقتصاد روستایی مورد توجه است (نوروزی و حیاتی، ۱۳۹۴). در حال حاضر، یکی از اصلی‌ترین استراتژی‌های توسعه اروپا، تا سال ۲۰۳۰ در کشورهای عضو این اتحادیه که با کاهش رشد مواجه بوده اند، ترویج و توسعه تنوع فعالیت‌های اقتصادی باهدف ایجاد اشتغال بوده است (محمدی و همکاران، ۱۳۹۹). بهبود نوآوری در زمینه تنوع بخشی به فعالیت‌های اقتصادی، انگیزه روستائیان را برای راه‌اندازی هرچه بیشتر فعالیت‌های کارآفرینانه تقویت نموده (چوو^۲، ۲۰۱۰؛ عبدوحید و همکاران^۳، ۲۰۱۷)، منجر به ایجاد تحولات در وضعیت اشتغال مناطق روستایی گردیده (طالب‌پور و همکاران، ۱۴۰۱) و گزینه‌های معیشتی متنوعی را در کنار

کشاورزی ارائه می‌دهد (گرینبرگ و همکاران^۴، ۲۰۱۸). چنانچه، بسیاری از کشورها به‌منظور توسعه اشتغالزایی و کاهش فقر در مناطق روستایی، راهبردهایی مانند اعطای وام برای کسب‌وکارهای خرد و تامین مالی خرد به فقرا روستایی را نیز مورد توجه قرار داده‌اند (آپا، جهون و ویس‌دوم^۵، ۲۰۱۸؛ موهده^۶، ۲۰۱۸؛ ورمزیاری و همکاران، ۱۴۰۱ و ۱۴۰۳). الگوی نظری اساسی که از تنوع بخشی فعالیت‌های اقتصادی در روستا پشتیبانی می‌کند، رهیافت معیشت پایدار است که از اواخر دهه ۱۹۹۰ به بعد، مورد توجه جدی اندیشمندان و کارگزاران پیشرفت و توسعه روستایی قرار گرفت (اسکونز^۷، ۱۹۹۸ و کرنی^۸، ۱۹۹۸). ویژگی کلیدی این رهیافت، ایجاد پیوند بین دارایی‌ها و فعالیت‌های اقتصادی و نیز نقش نهادها در تعیین کاربرد دارایی‌ها و بازده آنهاست. بر اساس فلسفه این رهیافت و بر خلاف پارادایم اولویت بخشی به مزارع کوچک، مسیرهای مختلفی در روستا برای خروج از فقر وجود دارد و باید قابلیت‌های اقتصادی مختلف روستا در بخش‌های گوناگون اقتصادی شناسایی و شکوفا شوند. در این راستا، راهبرد تنوع بخشی فعالیت‌های اقتصادی در روستا مفهوم پیدا می‌کند. از دیدگاه البری^۹ (۱۹۹۲) تنوع بخشی مزرعه در دو قالب کشاورزی و ساختاری قابل انجام است. شکل اول تنوع بخشی مزرعه، بر مشارکت در اشکال نوین تولید کشاورزی، کشاورزی ارگانیک و تولید محصولات باارزش بالا دلالت دارد؛ در حالی که نوع دوم آن بر ورود کشاورزان به فعالیت‌های نوین مانند گردشگری کشاورزی، فرآوری و رشته‌های شغلی غیرکشاورزی مانند صنایع دستی و سایر مشاغل مرتبط با بخش‌های صنعت و خدمات تأکید می‌کند (ورمزیاری و همکاران، ۱۳۹۸).

4- Greenberg

5- Appah, John & Wisdom

6- Mohd

7- Scoones

8- Carney

9- Ilbery

1- Shaiq

2- Chow

3- Abd Wahid

افغانستان کشوری است که روستاهای آن با چالش‌های مختلف اقتصادی، زیرساختی، نهادی و فیزیکی مانند ضعف زیرساخت‌های روستایی ضعف یا فقدان شبکه شهری- روستایی و غیره مواجه است (شایق و همکاران، ۱۴۰۰). به‌طوری که بسیاری از مردم در روستاهای این کشور با تنگنای فرصت‌های شغلی، کاهش درآمد و نرخ بالای بیکاری مواجه هستند و این موضوع، خانوارهای روستایی را با خطر امنیت معیشتی مواجه ساخته است. عدم گسترش فعالیت‌های اشتغالزا از یک‌طرف و ضعف زیرساخت‌های اقتصادی در نواحی روستایی از سوی دیگر باعث شده است که معیشت خانوارهای روستایی دچار آسیب‌پذیری گردد (کرمی‌دهکردی و میانی، ۱۴۰۰). با آنکه بخش اعظم اقتصاد روستایی در ولایت (استان) کندز به فعالیت‌های کشاورزی وابسته بوده و در این عرصه توجهاتی نیز صورت گرفته است (چشم‌انداز اقتصادی و انکشافی ولایت کندز، ۲۰۱۹)، اما به دلایل مختلفی مانند خشکسالی‌های اخیر در این استان (شایق و همکاران، ۲۰۲۴)، این بخش به تنهایی نتوانسته است راه‌حل بیکاری باشد.

طبق داده‌های مرکز ملی آمار و اطلاعات^۲ (۲۰۲۲)، ۷۴ درصد جمعیت این استان در روستاها و ۲۶ درصد آن در شهرها زندگی می‌کنند. بر اساس همین گزارش، خط فقر در این استان (۶۶/۴ درصد) و میزان بیکاری به ۳۲/۸ درصد رسیده است. علاوه‌براین، بیش از ۴۰ درصد از مجموع جمعیت این استان از گرسنگی شدید رنج می‌برند. همچنین، در سال ۲۰۲۲ شاخص فقر چندبعدی در مناطق روستایی و شهری استان کندز به ترتیب ۰/۴۸۳ و ۰/۴۴۵ بوده و شدت فقر در مناطق روستایی بیشتر از مناطق شهری بوده است (شایق و همکاران، ۲۰۲۲). از سوی دیگر، بخش کشاورزی به تنهایی نتوانسته است شغل کافی

را برای جمعیت روستایی این استان فراهم نماید. به‌عبارت دیگر، ضمن اینکه شغل‌های متنوع غیرکشاورزی جدیدی برای مبارزه با بیکاری، مهاجرت و درآمد پایین خانوارهای روستایی این استان ایجاد نگردیده است، مطالعات در خصوص شناخت موانع و قابلیت‌های متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی غیرکشاورزی در روستاهای این استان نیز تاکنون نیز انجام نشده است. ولایت کندز با داشتن موقعیت جغرافیایی و منابع طبیعی خود، ویژگی‌های خاصی در زمینه اشتغال خانوارهای روستایی دارد. بیشتر خانوارهای روستایی در کندز به کشاورزی مشغول هستند. کشت محصولات زراعی مانند گندم، برنج، ذرت و حبوبات در این ولایت رایج است. همچنین، باغداری و پرورش میوه‌های مختلف نیز از جمله فعالیت‌های مهم این ولایت به شمار می‌روند. پرورش دام، از جمله گاو، گوسفند و مرغ، بخش دیگری از اشتغال روستایی را تشکیل می‌دهد. دامداری نه تنها منبع درآمد در بین خانوارهای روستایی این ولایت محسوب می‌شود بلکه تأمین‌کننده غذای خانوارها نیز می‌باشد. علاوه بر آن، با وجود وابستگی به کشاورزی، برخی خانوارها به فعالیت‌های غیرکشاورزی مانند صنایع دستی و کسب کارهای کوچک روستایی مشغول هستند. در بسیاری از خانوارها، چند نفر به‌طور همزمان مشغول به کار هستند. این موضوع به‌ویژه در خانواده‌های بزرگ‌تر مشهود است. اعضای خانواده معمولاً در کنار هم به فعالیت‌های کشاورزی و دامداری می‌پردازند. درآمد خانوارها بسته به نوع فعالیت و میزان تولید متفاوت است. اما درآمد از کشاورزی تحت تأثیر عوامل متغیر مانند شرایط اقلیمی و نوسانات بازار قرار گرفته است. از این‌رو مطالعه حاضر، با هدف شناخت مهم‌ترین موانع و قابلیت‌های متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی در بین خانوارهای روستایی استان کندز انجام شده است و به دنبال پاسخ به سوال زیر است: چه قابلیت‌هایی در زمینه متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی کشاورزی و غیرکشاورزی روستایی در روستاهای استان کندز وجود دارد و

1 - Provincial profile of Kunduz province

2- National Statistics and Information Authority (NSIA)

همکاران^۳، ۱۹۹۲). انگیزه های متعددی وجود دارد که افراد و خانوارها را وادار به تنوع بخشی به فعالیتهای اقتصادی می نماید. هر فردی می تواند رفتار کارآفرینی انجام دهد مشروط بر اینکه دارای باورها، عزم راسخ، مهارت و دانش لازم برای پیگیری روند کارآفرینی باشد (شینر و همکاران^۴، ۲۰۱۸).

تنوع معیشت می تواند ناشی از موارد مختلفی از جمله افزایش درآمد، نگرانی از تغییرات اقلیمی و بحران ها نیز باشد. به عبارت دیگر، در کشورهای در حال توسعه، خانوارهای کشاورزی به دلایل مختلفی نیروی کار خود را به فعالیتهای متنوع درآمد خارج از فعالیتهای کشاورزی اختصاص می دهند: برای مثال، به منظور کاهش ریسک درآمد، حفظ امنیت غذایی (درآمد و مصرف) در برابر بهره وری اندک مزرعه و شوک های درآمدی مانند خشکسالی، شکست بازار بیمه؛ و برای بدست آوردن درآمد نقدی برای تأمین مالی سرمایه گذاری های مزرعه و در مواجهه با شکست بازار اعتبار. با توجه به اهمیت تنوع بخشی به فعالیتهای اقتصادی غیرکشاورزی، می توان گفت تنوع معیشتی در واقع بهترین راه حل مؤثر برای حل مشکلات ناشی از فقر و تخریب محیط زیست نیز به شمار می رود. به علاوه، به عنوان شاخص کارآمد برای ارزیابی موفقیت و پایداری جامعه روستایی مورد استفاده قرار گیرد (لیو و لیو^۵، ۲۰۱۶).

مطالعاتی که در خصوص موانع متنوع سازی فعالیتهای اقتصادی انجام شده است، نتایج آنها بسته به زمان و مکان پژوهش متفاوت بوده است. به طوری که اسفو و همکاران^۶ (۲۰۱۷) در پژوهشی تحت عنوان عوامل تعیین کننده تنوع معیشت غیرکشاورزی: شواهدی از کشاورزان خرده مالک وابسته به دیم در شمال اتیوپی، به این نتیجه رسیدند که عدم دسترسی

راهبرد مذکور با چه موانعی روبرو است؟ کدام دسته از موانع از نظر اهمیت در اولویت قرار دارند؟ مطالعه حاضر می تواند رهنمودهای مناسبی به سیاست گذاران در تسهیل مسیر تنوع بخشی به مشاغل روستایی ارائه دهد. شایان ذکر است که در این تحقیق، تنوع بخشی ساختاری مورد توجه بوده و لذا منظور از قابلیت های تنوع بخشی، فرصت هایی است که دارایی های روستاها، برای اشتغال نیروی کار روستایی در فعالیتهای غیر کشاورزی اعم از گردشگری، فرآوری، صنایع دستی و غیره پدید می آورند.

پیشینه پژوهش

رویکرد متنوع سازی، یکی از رویکردهای توسعه پایدار روستایی بوده و از مهم ترین استراتژی های ارائه شده در جهت کاهش اثرات منفی ناشی از ناپایداری در ابعاد مختلف محیطی، اقتصادی و اجتماعی به شمار می رود (دوراندیش و همکاران، ۱۴۰۳). در این نظریه برای پایداری ساختار اقتصادی روستایی و توسعه پایدار، وجود تنوع یکی از ضروریات جوامع مختلف قلمداد شده و رعایت این اصل، ثبات و پایداری ساختارهای اقتصادی را تسهیل خواهد نمود (بانک جهانی^۱، ۲۰۰۵). اشتغال روستایی غیرکشاورزی، از طریق افزایش میزان دستمزد روستایی، اثرات غیرمستقیم مهمی بر فقرای روستایی خواهد داشت (لنجوا^۲، ۲۰۰۷).

اقتصاد روستایی، مجموعه ای از فعالیتهای اقتصادی مختلف اعم از فعالیتهای تولیدی و فعالیتهای خدماتی در بخش های گوناگون است. اقتصاد روستایی از پایه های تولید یک کشور است و به همین منظور توجه به تنوع فعالیت ها در این بخش سبب تحکیم بنیان اقتصادی یک کشور می شود (گالیس و

3- Gillis
4- Shinnar
5- Liu
6- Asfaw

1- World Bank
2- Lanjouw

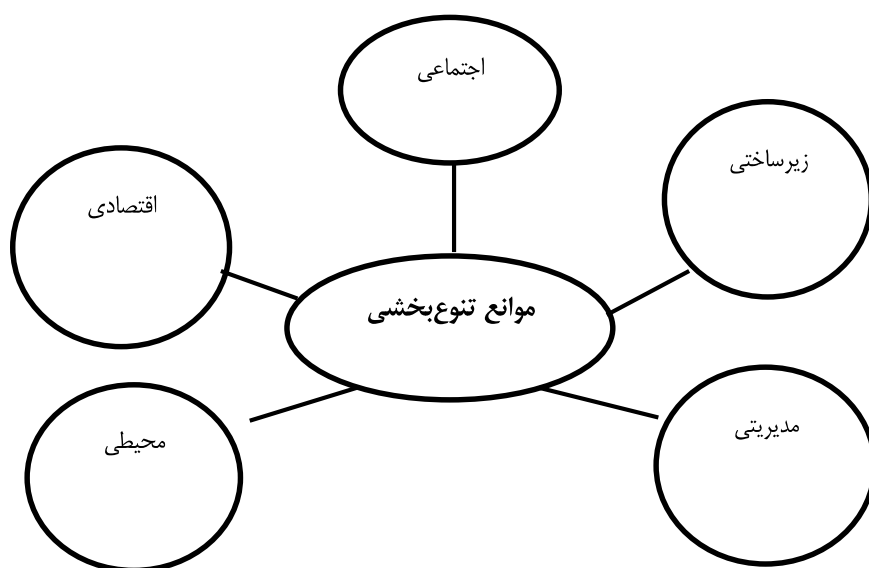
به سرمایه کافی، زیرساخت‌های ضعیف و عدم آموزش، عمده‌ترین محدودیت‌هایی است که کشاورزان را از انجام فعالیت‌های اقتصادی غیرکشاورزی باز می‌دارد. **جوان و همکاران (۱۳۹۶)** با مطالعه‌ای تحت عنوان تحلیل قابلیت‌ها و موانع متنوع‌سازی معیشت در راستای توسعه پایدار روستایی در شهرستان رضوانشهر به این نتیجه دست‌یافتند که موانع مدیریتی- نهادی، عمده‌ترین مانع در جهت متنوع‌سازی در روستاهای این شهرستان است. **عنابستانی و همکاران (۱۳۹۳)** در پژوهشی با عنوان تحلیل موانع متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی در روستاهای مرزی شهرستان مریوان، دریافتند که موانع نهادی- مدیریتی، عمده‌ترین مانع متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی روستاها بوده است. یافته‌های **مطیعی و همکاران (۱۳۹۸)** در پژوهشی با عنوان تحلیل موانع و قابلیت‌های تنوع‌بخشی فعالیت‌ها در اقتصاد روستایی، حاکی از آن است که ساختار فعالیت‌های اقتصادی در روستاهای بخش رحمت آباد و بلوکات، از وضعیت نامطلوبی برخوردار بوده است. همچنین دریافتند که بعد زیرساختی و نهادی بیش‌ترین تأثیر را بر روی سایر ابعاد شامل محیطی، اجتماعی و اقتصادی داشته و مهم‌ترین مانع در تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی در روستاهای این بخش بوده است. **میرک‌زاده و همکاران (۱۳۹۶)** با تحلیل عوامل مؤثر و موانع توسعه فعالیت‌های غیرکشاورزی با تأکید بر مشاغل خانگی مورد در دهستان قوری قلعه به این نتیجه رسیدند که موانع اقتصادی، اجتماعی، آموزشی، ساختاری و مدیریتی از مهم‌ترین موانع تنوع‌بخشی به فعالیت‌های غیرکشاورزی بوده است. **یاسوری و همکاران (۱۳۹۴)** در بررسی محدودیت‌های تنوع‌بخشی اقتصاد روستایی در دهستان اشکور علیا به این نتیجه رسیدند که موانع زیرساختی و نهادی با ضریب تأثیر $0/633$ ، عوامل محیطی با $0/449$ ، عوامل اقتصادی با $0/106$ و عوامل اجتماعی با ضریب تأثیر $0/093$ در عدم تنوع اقتصادی نواحی روستایی منطقه نقش دارند. به‌طور کلی، پژوهش‌های قبلی نشان

داده‌اند که موانع زیرساختی- نهادی، اقتصادی، آموزشی و مدیریتی از مهم‌ترین موانع فراروی متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی غیرکشاورزی به شمار می‌روند. در نهایت می‌توان چارچوب نظری اولیه تحقیق را به این شرح تبیین کرد که موانع تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی روستایی شامل موانع اجتماعی (**میرک‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶**)، زیرساختی (**مطیعی و همکاران، ۱۳۹۸**)، مدیریتی (**جوان و همکاران، ۱۳۹۶**)؛ **مطیعی و همکاران، ۲۰۱۹**)، محیطی (**مطیعی و همکاران، ۱۳۹۸**)؛ **یاسوری و همکاران، ۱۳۹۴**) و اقتصادی (**میرک‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶**)؛ **یاسوری و همکاران، ۱۳۹۴**) است (شکل ۱).

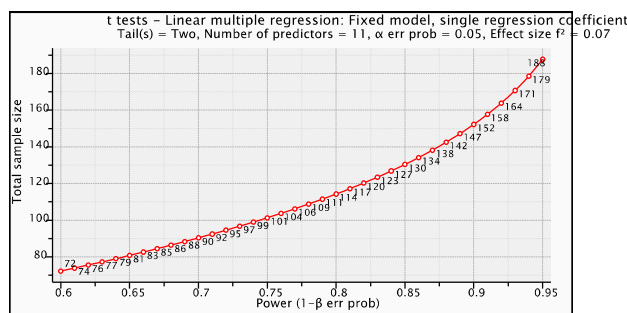
مواد و روش‌ها

تحقیق حاضر از نظر رهیافت، کمی بود و از راهبرد غیر آزمایشی (پیمایشی) استفاده کرده است. جامعه آماری مورد مطالعه، سرپرستان خانوارهای روستایی استان کندز بود. برای تعیین حجم نمونه از نرم‌افزار G*Power استفاده شد. نوع آزمون دو دامنه، توان آماری، ۸۰ درصد و سطح خطای نوع اول، ۵ درصد و نسبت برتری، ۳.۴۳ تعیین شد (شکل ۲).

نرم‌افزار بر اساس اطلاعات ورودی، حجم نمونه مورد نیاز را ۱۸۸ نفر تعیین کرد. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده شد. به‌طوری‌که استان کندز دارای ده واحد اداری بوده که در مرحله اول از این میان، چهار شهرستان (گلپه، علی‌آباد، خان‌آباد و شهرستان چهاردره) به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب و سپس از میان هریک از شهرستان‌های انتخاب شده، چهار روستا انتخاب شد و نهایتاً سرپرستان خانوارهای روستایی به صورت تصادفی انتخاب و مورد مصاحبه قرار گرفتند (جدول ۱).



شکل ۱. چارچوب مفهومی
Figure 1. Theoretical framework



شکل ۲. سناریوهای تعیین حجم نمونه
Figure 2. scenarios of sample size determination

استان‌های سمنگان و بلخ محدود می‌شود و منطقه شمال شرقی را بین استان‌های بغلان، تخار و بدخشان ایجاد می‌کند (شکل ۳). مساحت کل این استان ۸۰۸۰/۹ کیلومتر مربع بوده و به شمول مرکز به ۱۰ واحد اداری تقسیم شده است که مرکز آن شهر کندز است. این استان دارای ۹ ولسوالی (شهرستان) می‌باشد (چهاردره، علی‌آباد، خان‌آباد، امام صاحب، دشت ارچی، قلعه‌ذال، کلباد، گلته و آفتاش). استان کندز بیش از ۱،۰۴۹،۲۴۹ نفر جمعیت دارد که از این تعداد حدود (۷۴ درصد) آن در روستاها

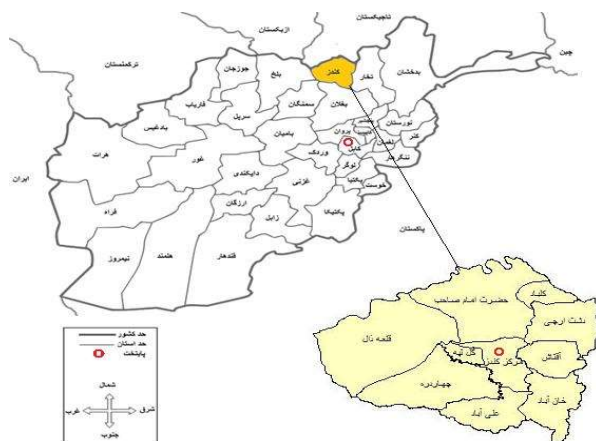
جدول ۱. تعداد نمونه از شهرستان‌های نمونه مورد مطالعه

ولایت (استان)	شهرستان	تعداد نمونه
کندز	گل تپه	۵۳
	علی‌آباد	۴۹
	خان‌آباد	۴۸
	چهار دره	۳۸

استان کندز که در شمال شرقی افغانستان موقعیت دارد، از شمال با دریای آمو (۳۰۰ کیلومتر تا تاجیکستان)، از جنوب با ولایت (استان) بغلان، از شرق با استان تخار، از غرب با

مبتنی بر کشاورزی و دامداری است. عمده محصولات کشاورزی این ولایت گندم، برنج، جو، ماش، تربز (هندوانه)، خربزه، بادام و انگور می‌باشد (چشم‌انداز اقتصادی و انکشافی ولایت کندز، ۲۰۱۹).

و (۲۶ درصد) جمعیت در شهرها زندگی می‌کنند. از نظر آب‌وهوا، این استان تا حدی مرطوب و نیمه خشک است. تقریباً ۷۵ درصد زمین‌های کشاورزی کندز هموار بوده و خاک این استان حاصلخیز است و در صورت وجود آب کافی می‌توان هر نوع محصولی را پرورش داد. زیرساخت‌های اقتصادی این استان



شکل ۳. نقشه افغانستان و منطقه مورد مطالعه

Figure 3. Map of Afghanistan and the research area

بسته به نوع داده، اسمی، ترتیبی (طیف لیکرت پنج سطحی) و فاصله‌ای بود. روش مورد استفاده برای جمع‌آوری داده‌ها نیز مصاحبه حضوری بود. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات علاوه بر آماره‌های توصیفی نظیر میانگین، انحراف معیار و ضریب تغییرات استفاده شد. از سوی دیگر، بنابراین که شرایط افغانستان علی‌رغم سایر موضوعات در خصوص روستائینی نسبت به سایر کشورها متفاوت است، با وجود ادبیات قبلی و چارچوب مفهومی اولیه، از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. لازم به توضیح است که تحلیل عاملی روش هم وابسته بوده که در آن کلیه متغیرها به طور همزمان مدنظر قرار می‌گیرند (کلانتری، ۱۳۹۵). در نتیجه، از آنجا که در دنیای واقعی معمولاً تمامی عوامل و متغیرهای تأثیرگذار بر یک پدیده در کنار هم بوده و مستقل از هم عمل نمی‌کنند، بدین منظور برای شناسایی مؤثرترین عوامل و متغیرها از روش تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد.

ابزار اصلی تحقیق پرسشنامه بود. برای تدوین پرسشنامه، ابتدا ضمن بررسی پیشینه تحقیق، پرسشنامه اولیه تهیه شد و برای استخراج گویه‌های اولیه، از مطالعات پیشین از جمله (مطیعی و همکاران، ۱۳۹۸؛ عنابستانی و همکاران، ۱۳۹۳؛ جوان و همکاران، ۱۳۹۶؛ یاسوری و همکاران، ۱۳۹۴؛ میرک‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶؛ اسفو و همکاران، ۲۰۱۷) استفاده شد. سپس این پرسشنامه به کمک جمعی از اساتید توسعه روستایی و کشاورزی دانشگاه تهران و کارشناسان موضوعی در افغانستان مورد بررسی مجدد قرار گرفت. در انتها، پس از اعمال نظرات ایشان، پرسشنامه نهایی به صورت یک پرسشنامه مستقل بر (۳۴) گویه برای بررسی موانع و قابلیت‌ها تهیه شد. به عبارت دیگر، روایی آن توسط اساتید توسعه روستایی و کشاورزی دانشگاه تهران و پایایی آن با استفاده از الفای کرونباخ (۰/۷۳۲) مورد تایید قرار گرفت. طیف سنجش مورد استفاده برای داده‌ها،

به عبارت دیگر، با توجه به تفاوت‌های جدی بین مناطق روستایی افغانستان و سایر کشورها از نظر زیرساخت‌ها و نرخ شهرنشینی و نبود مطالعه تجربی در افغانستان، از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. کلیه عملیات آماری با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ انجام شد.

نتایج و بحث

یافته‌های تحقیق نشان داد، میانگین سنی پاسخگویان ۴۳/۱۹ سال و بیشترین درصد پاسخگویان (۳۸/۸ درصد) مربوط به دامنه سنی کمتر از ۳۵ سال بود. افراد مورد مطالعه از نظر جنسیت ۱۴ نفر (۷/۲ درصد) زن و ۱۷۴ نفر (۹۲/۶ درصد) مرد بود. به عبارت دیگر، بیشترین فراوانی به مردان تعلق داشت. مشخصات تحصیلی سرپرستان خانوارهای روستایی نشان داد که ۶۴ نفر (۳۴ درصد) بی‌سواد و ۷۵ نفر (۳۹/۹ درصد) سوادی در حد خواندن و نوشتن داشته‌اند. از بین سرپرستان خانوارهای روستایی، ۱۲۵ نفر (۶۶/۵ درصد) در برنامه‌های آموزشی ترویجی شرکت نکرده بودند. بر اساس یافته‌های تحقیق، میانگین میزان درآمد ماهانه سرپرستان خانوارهای روستایی ۵۱۵۱/۶۰ افغانی (یک دلار = ۷۴ افغانی) بود که بیش‌ترین فراوانی مربوط به دامنه ۵۲۵۰ تا ۷۵۰۰ افغانی تعلق داشت. همچنین تعداد ۱۶۶ نفر (۸۸/۳ درصد) سرپرستان خانوارهای روستایی، در حال حاضر شغل غیرکشاورزی نداشته‌اند و تمامی سرپرستان خانوارهای روستایی به داشتن شغل جدیدی در آینده علاقه‌مند بودند (جدول ۲).

اولویت‌بندی فرصت‌های شغلی از دیدگاه سرپرستان خانوارهای روستایی منطقه مورد مطالعه

در ادامه به منظور شناسایی و اولویت‌بندی فرصت‌های شغلی، به تعداد ۹ فرصت در منطقه مورد مطالعه، شناسایی و در قالب طیف لیکرت پنج گزینه‌ای، از نظر معیارهای میزان اشتغالزایی،

میزان درآمدزایی، سهولت راه‌اندازی شغل، نیازمندی به سرمایه و نیازمندی به تخصص، از دیدگاه سرپرستان خانوارهای روستایی مورد بررسی قرار گرفت. از نظر میزان اشتغالزایی، فراوری محصولات کشاورزی و قالبیافی بیشترین اجماع را به خود اختصاص داده‌اند. این درحالیست که از نظر میزان درآمدزایی، خیاطی و فروشگاه مواد غذایی؛ از نظر سهولت راه‌اندازی شغل، خیاطی و تولید فرش و گلیم؛ از نظر نیازمندی به سرمایه، گردشگری و قالبیافی و از نظر نیازمندی به تخصص، فراوری محصولات کشاورزی، نجاری و گردشگری، بیشترین اجماع را به خود اختصاص داده‌اند. حسب جدول (۳)، تمامی این فرصت‌های شغلی در یک ارزیابی کلی نیز مورد بررسی قرار گرفت، نتایج حاکی از آن است نمونه مورد مطالعه در مورد قابلیت‌های فراوری محصولات کشاورزی، خیاطی، فروشگاه بذر و کود شیمیایی و قالبیافی به ترتیب، بیش‌ترین اجماع و در مورد قابلیت‌های فلزکاری، نجاری و گردشگری به ترتیب، کمترین اجماع را داشته‌اند (جدول ۳).

اولویت‌بندی موانع متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی روستایی

در ادامه، برای اولویت‌بندی موانع متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی روستایی، از آماره ضریب تغییرات استفاده شد. با توجه به جدول (۳)، بیش‌ترین اجماع، به ترتیب به گویه‌های پایین بودن سطح سواد، کمبود یا عدم وجود آموزش‌های ترویجی، فنی و حرفه‌ای، ریسک‌پذیری پایین روستائیان، عدم برخورداری روستائیان از آموزش فعالیت‌های غیرکشاورزی و کمبود تجربه و مهارت فنی روستائیان در ارتباط با صنایع روستایی تعلق گرفت. در این میان موانع عدم علاقه جوانان به مشاغل روستایی، فاصله زیاد روستا از شهر و ضعف امکان سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های غیرکشاورزی توسط ساکنان بومی، به ترتیب کم‌ترین اجماع را به خود اختصاص داده‌اند.